

ای مسلمانان مباحثه مانند آنانیکه
رنجاندن موسی را پس پاک ساخت
خداوند متعال او را از آنچه گفته بودند
و بود موسی نزدیک خدا با آبرو
سوره احزاب آیه ۶۹

منع خشونت علیه زنان در دین شریعت اسلام و قوانین

تتمه ونگارش: دوست محمد عارف

(هرآینه آنانیکه ایمان آوردند و هجرت کردند و جهاد کردند و جهاد نمودند مهال های خود و نفسهای خود در راه خدا و آنانیکه جای دادند و نصرت کردند این جماعه بعضی ایشان کارسازان بعضی اند و آنانیکه ایمان آوردند و هجرت نکردند نیست شما را کارسازای ایشان هیچ چیزی تا آنکه هجرت کنند. و منظور از ولایت درآیه فوق وراثت است چنانچه از ابن عباس ض روایت شده است وقتی عقاید اسلامی درنفوس مسلمین استقرار یافت و محبت اسلام دردل مسلمانان جا گرفت و عمل بتعالیم اسلامی بالای شان مشکل تمام نمی شد قوانین اسلامی آنچه از مقرراتی را که مسلمانان در دوره جاهلیت قبل از اسلام ومدتی درصدر اسلام درمیراث بکار میبردند ملغی قرارداد. شریعت اسلامی حقوق زنان را محترم شمرده و آنان را مستحق اخذ میراث درمال مورثان دانست واستحقاق میراث را مخصوص برای آنان که قدرت مقابله بادشمن را داشته باشند ندانسته برخلاف دوره جاهلیت برای اطفال نیز درمال مورثان میراث را قائل گردید وتعاملی را که دراین مورد در دوره جاهلیت به کار برده می شد باطل قرارداد وقرآن کریم دراین باره چنین دستور داد که: (للرجال نصیب مما ترک الوالدان والاقربون وللنساء نصیب مما ترک الوالدان والاقربون مما قل منهُ اوکثر نصیباً مفروضاً)

شرایط تحقق ارث عبارتند از:

- الف) موت مورث: یعنی به محض ثبوت موت حقیقی یا موت فرضی (فیصله محکمه به مرگ) میت مالکیت مالهای بجامانده از میت دوشده و به وراثت انتقال می یابد.
 - ب) حیات وارث: یعنی به هنگام فوت میت، زنده بودن وارث ثابت باشد؛ زیرا مقصود از ارث، انتقال قهری (غیر اختیاری) مال متوفی به وارث اوست وبدون وجود وارث انتقال مال قابل تصور نیست.
 - حیات وارث به دو طریق ثابت می شود:
- 1- حیات فعلی: آن است که زندگی وارث به مشاهده ثابت باشد.
 - 2- حیات فرضی: مانند وارثی که درشکم مادر است (جنین) به دلیل این حدیث: «إِذَا سْتَهَلَ الْمَوْلُودُ وَرُتَّ (أَبُو دَاوُدَ، وَابْنِ مَاجَهٍ عَنِ أَبِي هُرَيْرٍ وَابْنِ مَاجَهٍ عَنِ زَمَانِيكِهِ نَوَازِدَ صَدَابَلَدِنِ كَرْد) نشانه های زنده بودن آشکارشد) برایش میراث داده شود.
- جنین به دوش شرط میراث میرد:
- 1- در وقت وفات مورث نطفه آن شکل گرفته باشد
 - 2- زنده به دنیا آمده باشد
- ج) عدم موانع ارث: موانع ارث اوصافی است که موجب محرومیت (ممنوعیت) وارث از ارث می شوند. مثلا اگر وارث قاتل مورث خود باشد، ازاله متوفی ارث نخواهد برد. اهمیت وفضیلت میراث:
- الف) خداوند متعال درقرآن کریم سهمیه هروارث تعیین واحکام فرائض را با توضیح وتفصیل کامل تری نسبت به بقیه احکام مهم شرعی از قبیل نماز، روزه، حج و... بیان کرده است. بی گمان این همه شرح وتفصیل خود نمایانگر اهمیت فوق العاده این علم است.
- باتوجه به آیات مبارکه سوره نساء که اصحاب ذوی الفروض وعلمای علم میراث آن را عنوان کرده اند که صاحبان ذوی الفروض 12 نفر هستند واز جمله دوازده نفر 4 نفر مذکر که عبارتند از:
- 1- پدرمیت،
 - 2- پدرکلان میت،
 - 3- شوهرمیت

تتمه در صفحه ۲

تفاهم نامه تسهیل آوری در روند تصدیق اسناد شهروندان (۱)

گزارشگر: بشیر احمد عزیز



تفاهم نامه تسهیل آوری در روند تصدیق اسناد شهروندان از سوی جلالتمآب دکتر عبدالصیر انور وزیر عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان و عبیدالله ابراهیمی رییس مؤسسه «سمارت سیستم» به امضاء رسید. به اساس این تفاهم نامه، مؤسسه «سمارت سیستم»، تمام اسنادی را که نیازمند اخذ مهر تاییدی و یا تصدیق اداره قضایای دولت وزارت عدلیه است، جمع آوری نموده و طی مراحل می نمایند. عدم دسترسی شهروندان ولایت های دور دست به اداره قضایای دولت، یک مشکل اساسی است؛ این تفاهم نامه شهروندان را کمک می کند تا اسنادهای شان به گونه مطمئن، در وقت مناسب و با هزینه کم (300 افغانی) مورد تصدیق قرار بگیرد. دکتر عبدالصیر انور وزیر عدلیه می گوید: روزانه صدها نفر جهت اخذ مهر تاییدی اسناد شان به بخش تصدیق اسناد وزارت عدلیه مراجعه می نمایند که این ازدحام برای وزارت عدلیه و شهروندان مشکل به بار می آورد. اکنون جهت رفع این معضل، ما این تفاهم نامه را با سکتور خصوصی امضاء می نمایم تا از یک سو جلوی ازدحام و از سوی دیگر جلوی سرگردانی مردم گرفته شود.

نگاه اجمالی بر قانون منع خشونت علیه زنان

تتمه ونگارش: طالب ستر خیل

فرا راه دختران در افغانستان قرار دارد. سازمان ملل متحد گزارش داده است زنان و دختران افغان با آنکه نصف جمعیت افغانستان را تشکیل میدهند، تنها ۱۷ درصد آنان در ادارات دولتی سهم دارند. دسترسی محدود به آموزش مشکل دیگر دختران در افغانستان است. هم اکنون سه میلیون و ۵۰۰ هزار کودک - عمدتاً دختران - در افغانستان به نظام آموزشی دسترسی ندارند. سازمان بین المللی دیده بان حقوق بشر از کشورهای جهان خواسته است تا مقابله با ازدواج دختران زیر سن قانونی را در اولویت سیاست های خود قرار دهند. این سازمان با اشاره به اینکه ازدواج زود هنگام دختران معمولاً آنها را از ادامه تحصیل باز می دارد و در معرض خشونت همسر قرار می دهد، از کشورها خواسته است تا سن قانونی ازدواج را هجده سال قرار داده و قوانینی وضع کنند که براساس آن، وادارکنندگان دختران کم سن و سال به ازدواج زود هنگام، مجازات شوند. آسیب های روحی و فیزیکی ازدواج های زیر سن را نمی توان در زندگی خصوصی و اجتماعی زن نادیده گرفت زیرا بیماریهای عصبی، جسمانی، محروم شدن از ادامه تحصیل، بلند رفتن آمار خشونت در خانواده، افزایش میزان طلاق از جمله پیامدهای ناگوار ازدواج های زیر سن است. که باید والدین و دولت در این زمینه مسوولیت خود را درک نموده تا از پیامدهای ناگوار آن در خانواده و اجتماع جلوگیری نماید. تقریباً تمامی کشورها حد اقل سن مناسب ازدواج دختران و پسران تعیین کرده اند که اغلب بین 16 تا 20 سال می باشد و البته برخی کشورها کمتر یا بیشتر از آن، مثلا تا 24 سالگی را تعیین کرده اند. بداندن: بد دادن از جمله عرف و عادات ناپسند است که مناقض شریعت اسلام بوده و از طرف دیگر در تضاد با قانون نیز می باشد. شیوه عملی و اجرای این رسم طوری است که به منظور حل و فصل نزاع میان دو قوم و یا دو قبيله و حتی دو فامیل دختری را از طرف متجاوز و جانی تسلیم فامیل متضرر و یا مجنی علیه می نماید به عنوان مثال هر گاه برادر و یا پدر مرتکب قتل گردد جرگه ای قومی برای حل و فصل مسأله آمیز منازعه بین دو طرف غالباً دختری یا خواهر قاتل را به یکی از اعضای فامیل مقتول به همسری می دهند.

تتمه در صفحه ۲

ای بکار گیری این نوع عرف نظر به محلات متفاوت می باشد با وصف این، اثر و نتیجه آن در همه جایکسان و همگون می باشد بدیهی است که این رسم بصورت عموم توسط والدین دختران و پسران خورد سال صورت می پذیرد. دران تراضی و موافقت دختر و پسر هیچ نقشی ندارد. زیرا آن چه در این نوع ازدواج ها نقش مهم را ایفا می کند تراضی و موافقت اولیای دختر و پسر زیر سن ازدواج می باشد. علت اصلی این نوع ازدواجها ممکن است. گاهی فقر اولیا دختر و یا هم قدرت وتمکن اولیا ثروت و یا ارتباطات و داد وستند فامیل دختر و پسر می باشد از انجائیکه تراضی و توافق طرفین در این نوع ازدواج نقشی ندارد در اکثر موارد این نوع ازدواج ها منتهی به عواقب ناگوار برای طرفین می گردد. قانونگذار افغانستان به دلیل پیامدهای ناگوار از ازدواج های زیر سن دارد در بند دوم ماده 71 قانون مدنی تصریح نموده است که عقد نکاح صغیره کمتر از 15 سال به هیچ وجه جواز ندارد. و یا در ماده 28 قانون منع خشونت علیه زن در این مورد احکام آتی را پیشبینی نموده است: «هر گاه شخص زن را که سن قانونی ازدواج را تکمیل نه نموده و بدون رعایت حکم مندرج ماده 71 قانون مدنی به عقد نکاح در آورد حسب احوال به حبس متوسط که از دو سال کمتر نباشد محکوم و نکاح در صورت مطالبه زن مطابق احکام قانون فسخ می گردد.» تحقیقات که در این زمینه از سوی سازمان ملل صورت گرفته است بیانگر حقایق ذیل می باشد: بیشتر از نصف دختران در افغانستان پیش از رسیدن به سن ۱۹ سالگی ازدواج کرده در این میان ۴۰ درصد آنان بین سنین ۱۰ تا ۱۳ سالگی، ۳۲ درصد در سن ۱۴ سالگی و ۲۷ درصد آنان در سن ۱۵ سالگی تن به ازدواج میدهند. فقر و تنگدستی، رسم و رواج ناپسند اجتماعی، ناامنی و ادامه فرهنگ معافیت از جرم، از دید کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، دلایل عمده افزایش ازدواج های اجباری و زیر سن در افغانستان میباشد. نماینده صندوق جمعیت سازمان ملل متحد در افغانستان با تاکید بر حمایت دولت از دختران، هشدار میدهد که ادامه ازدواج زیرسن منجر به تداوم فقر، نابرابری های جنسیتی و سایر مشکلات میشود و باید جلو آن گرفته شود. افزون بر این، دسترسی ناکافی به آموزش، خدمات صحتی و چالشهای دیگر اجتماعی از جمله خیابان آزاری از جمله مشکلات است که

«ماده 70 قانون مدنی سن ازدواج مذکور 18 واناث را 16 سال کامل هجری شمسی تعیین نموده است.» همچنین ماده 26 قانون منع خشونت علیه زن در این زمینه ذیلا صراحت دارد: «هر گاه شخص زنی را که سن قانونی ازدواج را تکمیل نموده بدون رضایت وی نامزد یا به عقد نکاح در آورد حسب احوال به حبس متوسط که از دو سال کمتر نباشد محکوم، نامزدی و نکاح مطابق احکام قانون فسخ می گردد.» مشاهده می شود که قانون مدنی به وضاحت نکاح زیر سن را جایز ندانسته و قانون منع خشونت علیه زن برای مرتکبین آن مجازات تعیین نموده است. زیرا در ازدواج های اجباری طرفین عقد از طرز تفکر همسان و همگون بر خوردار نبوده و غالباً چنین ازدواج های موجب ایجاد عدم علاقه زوجین نسبت به همدیگر، عدم توافق روحی، فکری، سلقوی و... در نتیجه موجب خود کشی و مصاب شدن یکی از طرفین به امراض روانی و یا هم انحرافات جنسی و فرار از منزل می گردد. قابل یاد آور است که قبل از انفاذ قانون منع خشونت علیه زن نیز این عمل توسط قانون خزان افغانستان جرم محسوب شده بود ماده 517 قانون جزا در مورد ذیلا تصریح می دارد: «1- شخصی که زن بیوه یا دختری را که سن هجده سالگی را تکمیل نموده باشد به خلاف رضا و رغبت وی به شوهر دهد حسب احوال به حبس قصیر محکوم می گردد. 2- اگر جرم مندرج فقره فوق به شکل بد دادن باشد مرتکب به حبس متوسط که از دو سال بیشتر نباشد محکوم می گردد. 3- دعوی جزایی در مورد جرایم مندرج فقرات 1-2 این ماده وقتی اقامه شده می تواند که مجنی علیها شکایت نماید.» خانم های یتیم (بیوه) در ازدواج طرف اصلی و ذی حق واقعی می باشد و پدر یا ولی نباید نظر و رضایت آنها را نادیده بگیرد. چنانچه پیامبر (ص) در این ارتباط چنین ارشاد می فرماید: «زن بیوه نسبت به خودش از ولی و سرپرستش اولی و مقدم تر است و دختر باید در مورد ازدواجش از او اجازه گرفته شود، سکوتش نشانه اذنش می باشد.» نکاح زیرسن: یکی دیگر از عرف و عادات ناپسند که در افغانستان رایج است نامزد نمودن و یا ازدواج های زیر سن قانونی ازدواج در دختران و پسران می باشد البته نحوه

با در نظر داشت ماده سیزدهم قانون منع خشونت علیه زن در مورد مکلفیت وزارت امور داخله ذیلا صراحت دارد: «وزارت امور داخله مکلف است به منظور جلوگیری از خشونت در تمام محلات عامه تدابیر وقایونی و حمایتی را اتخاذ و عملی نماید. لوی سارنوالی: مطابق حکم ماده 134 قانون اساسی تحقیق جرایم و اقامه دعوی علیه متهم در پیشگاه محاکم از طرف سارنوالی مطابق به احکام قانون صورت می گیرد. سارنوالی جزء قوه اجرائیه بوده، و در اجراءات خود مستقل می باشد. سارنوالان در جریان تحقیق بی طرفانه عمل نموده، از فعالیت های پولیس در عرصه کشف و جمع آوری دلایل اثباتیه نظارت کرده و آنها را رهنمایی می کنند همچنان تطبیق احکام قطعی محاکم و نظارت از محلات سلب آزادی نیز از وظایف اساسی ادارات سارنوالی می باشد. جرایم مربوط به خشونت را دسته بندی نموده و ذیلا به توضیح و شرح بعضی آن می پردازیم: نکاح اجباری: ازدواج های اجباری از جمله عرفهای ناپسند است که در جامعه ما رایج است که نه تنها محدود و منحصر به خانواده های روستایی می باشد بلکه به شکلی از اشکال در خانواده های شهری نیز رسوخ کرده است. این نوع ازدواج نه تنها بالای دختران بلکه بالای پسران نیز تحمیل می گردد. علت بنیادین ازدواج های اجباری تهدید مادی و معنوی اولیای دختر و پسر، ایجاد ارباب به وسیله قومندانان محلی، ایجاد رعب و وحشت به وسیله قدرتمندان نظامی و ضعف اقتصادی خانواده ها می باشد. آنچه قابل یاد آور است اینکه در عقد ازدواج رضایت طرفین از جمله شرایط صحت آن بشمار می رود. بنا بر این در صورت فقدان رضا، عقد ازدواج باطل گردیده و بر عقد باطل هیچ نوع اثر و نتیجه حقوقی مترتب نمی شود. ولی متأسفانه با آن هم ازدواج های اجباری با عدم رعایت تراضی و موافقت طرفین صورت می پذیرد که موجب ایجاد آثار و نتایج زیانبار می گردد. با وجودیکه در قوانین نافذ کشور و شریعت در مورد پیامدهای زیانبار ازدواج های اجباری تذکر داده است. چنانچه ماده 71 قانون مدنی در زمینه ذیلا تصریح می دارد: «(1) هر گاه دختر سن مندرج ماده 70 این قانون را تکمیل نکرده باشد عقد ازدواج وی تنها توسط پدر صحیح التصرف یا محکمه با صلاحیت صورت گرفته می تواند. (2) عقد نکاح صغیره کمتر از 15 سال به هیچ وجه جواز ندارد.»

اصل آزادی و مساوات در شریعت اسلام

تتمه و تکاور: عبدالرحمن عظیمی

تا بتواند عقیده خود را اعلام نماید و اگر مهاجرت نکنند در حال که قادر به مهاجرت می باشند قبل از آن که دیگران بر او ستم روا دارند، خود بر خویش ستم روا داشته و یگانه بزرگی دست زده است و عذاب خداوند در باره او حتمی است. اما اگر از مهاجرت ناتوان باشد، تکلیفی دیگری ندارد. چنانچه خداوند (ج) در سوره نسا آیه 97 الی 99 می فرماید: " آنان که هنگام مرگ وقبض روح ستم کنند گان بر خویش بودند پاسخ این سوال در چه کار بودید گویند که ما در روی زمین مردم ضعیف و ناتوان بودیم. گویند: آیا زمین خدا پهنوار نبود؟ که در آن سفر کنید. ماوای آنان جهنم است و باز گشت آنها جایگاهی بسیار بدی است. مگر آن گروه از مردان و زنان و کودکان که به راستی نا توان باشند و راه به جایی نبرند پس آنها به بخشایش خداوند امید وار باشند و خداوند بخشنده و آمرزنده بندگان است."

دین مقدس اسلام در بیان و قبول آزادی عقیده بر تمام مردم اعم از مسلمان و غیر مسلمان و موظف دانست خود در حمایت از عقاید غیر مسلمانان در سرزمین های اسلامی به عالیترین درجه از ترقی دست یافته است. در هر شهر از شهرهای مسلمانان، غیر مسلمانان قادر بودند دین و مذهب و عقیده خود را علنی سازند و رسوم دینی خود را بجا آورند. معابد و مدارس برای اقامه اعمال دینی و تدریس آن بدون آن که مانعی ایجاد شود، بسازند. مثلاً یهود در سر زمین های اسلامی عقاید و معابد خود را داشتند که آئینی کلمی را فرا می گرفتند و حق داشتند عقاید خود را تبلیغ و میان آنها و دیگر عقاید مقایسه کنند و دین یهود را در ایجاد نظم عمومی و دارا بودن آداب و اخلاق بهتر، بر دیگر ادیان برتری دهند. مسیحان نیز با آنکه مذاهب گوناگون و متعدد داشتند، پیروان هر مذهبی کنیسه و مدرسه ای خاص خود را داشتند و علناً به عبادت می پرداختند و در مدارسشان عقیده خود را تعلیم می دادند و در باره مذهب خود کتاب می نوشتند و در شهر های اسلامی منتشر می کردند.

آزادی بیان: شریعت اسلام آزادی بیان را مجاز و مباح ساخته، آن را از حقوق مسلم هر کسی به حساب می آورد. در امور مربوط به اخلاق و مصالح و نظم عمومی هر آنچه را شرع منکر اعلام کرده، بیان و گفتار (امر به معروف و نهی از منکر) را واجب دانسته است چنانچه خداوند (ج) می فرماید: و باید از شما مسلمانان برخی خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و مردم را به نیکو کاری امر کرده و از بد کاری نهی کنند و نیز پیغمبر اسلام (ص) فرموده است: هر یک از شما کار بدی را دید باید با دست خود از انجام دادن آن جلو گیری کند، اگر با دست جلو گیری نتوانست با زبان در صد جلو گیری برآید اگر در این هم قادر نبود قلباً به آن عمل راضی نباشد و البته این ضعیف ترین درجه از ایمان است و نیز می فرماید: بهترین جهاد این است که سخن حق در مقابل سلطان ستمگر گفته شود، و دین یعنی نصیحت کردن". سوال شد این نصیحت به خاطر چه کسی است، فرمودند: به خاطر خدا و رسولش و کتاب او و نیز بخاطر رهبران مسلمانان و خود آنان و نیز مردی که علیه امام ستمگر بشود او را به معروف امر و از منکر باز دارد و در این راه کشته شود"

بنابراین شریعت اسلام، آزادی بیان را پذیرفته ولی همزمان با آن به قیودی مقید ساخته است که مانع از دشمنی و سوی استفاده می گردد و به لحاظ این که مردم بدانند هیچ کس از رعایت این قیود و موانع معاف و مستثنی نیست، نخستین کسی که آزادی او در گفتار، مقید و محدود شد خود پیغمبر (ص) بود

ادامه در صفحه ۳

این یک واقعیت مسلم است که زنان با در نظر داشت احکام والای شریعت اسلام و قوانین نافذ کشور اسناد بین المللی دارای حقوق خاص و انکار ناپذیر می باشد که امروز در جهان به توافق کلی از لحاظ پرنسیب به آن ارج گذاشته می شود اما طوریکه متأسفانه در عمل مشاهده می گردد. روز تاروز پدیده شوم خشونت علیه زن صعود می نماید خصوصاً در کشور ما افغانستان که همه روز ما شاهد این ناهنجاری ها در مقابل زنان می باشیم که وجدان بیدار هر هموطن با احساس ما را خدشه دار می سازد. با وجودیکه نهاد ملی و بین المللی در این راستا فعالیت های چشم گیری داشته اند اما تا حال نتوانستند طوریکه شاید و باید این پدیده کاهش قابل ملاحظه یابد و نتیجه قناعت بخشی که توقع میرفت در زمینه روفا گردیده است که ما عوامل عمده آن را در پهلوی موجودیت عرف و عادات ناپسند و نا امنی موجود در گوشه و کنار کشور، عامل عمده عدم آگاهی لازم اتباع کشور از مسایل حقوقی و قانونی می باشد. زیرا در صورتیکه هموطنان ما از حقوق و واجبات قانونی و شرعی شان اطلاع کافی داشته باشند یقیناً درمیزان حق تلفی و قانون شکنی در جامعه کاهش بعمل می آید. یگانه راه علاج محو انواع خشونت بلخصوص علیه زنان که نیمی از پیگر جامعه را تشکیل میدهند این است تمامی نهاد های ملی و بین المللی که در راستای آگاهی دهی فعالیت دارند همرا با شهروندان

اضراب پدیده شوم قاچاق انسان

خطر های روحی و جسمی دچار می سازد، و در بسیاری از حالات هزاران مهاجری سر پناه توسط راهزنان و قاچاقچران آدم فروش ضایع می شوند و یا در اثر تیر اندازی مرزبانان کشورها، کشتی شان در دریا غرق شده و جانهای شیرین خود را از دست میدهند. حمل نقل قاچاق انسان ارزش و کرامت انسانی و بشری را در کشور مبدأ و هم کشور مقصد به شدت تهدید می کند. افزایش فحشای بین المللی و تولید تصاویر غیر اخلاقی آثار اجتماعی و بهداشتی شدیدی برای میگذارد. امروز به هزارها زن، مرد و کودک در دنیا قاچاق می شوند و سپس به ارتکاب انواع اعمال غیر اخلاقی واداری شوند، این افراد معمولاً مورد بهره برداری اقتصادی، جنسی و جسمی قرار می گیرند، آنها گاهی مبالغ قابل توجهی پول برای فرستاده شدن به کشورهای دیگر به منظور رسیدن به شرایط اقتصادی و اجتماعی بهتر می پردازند و نا آگاهانه خود را در شرایطی می یابند که مجبور به کار اجباری و یا فحشاء و سائر اعمال مهین و ذلت بار هستند. اول پیامد و اضرار فردی قاچاق انسان است که یکی از پیامدهای بد قاچاق انسان، نقض کرامت انسانی است، هر چند این اعمال با رضایت فرد صورت گیرد، زیرا نوعی توهین به انسان و بشریت است که همواره در کنوانسیونهای بین المللی این نوع از تجارت ها را جرمی علیه کرامت انسانی افراد میدانند، سوء استفاده و بهره کشی های جنسی و جسمی، به عبارت دیگر انواع بهره کشی های مختلف جنسی، همانند هم جنس بازی، روابط غیر طبیعی، سوء استفاده جهت تبلیغات در صنعت سکنسی و ساخت فیلم های غیر اخلاقی می شوند، در نتیجه ابتلا به بیماری های واگیر، مانند اید ز و پیامد های اجتماعی آن، خدشه نمودن آبرو و حیثیت، خانواده ها و کشورها می باشد به هر اندازه که میزان آمار قاچاق انسان در کشور افزایش

مرتکب جرم قاچاق انسان، حسب احوال به حبس طویل که از هشت سال بیشتر نباشد، فقره (۱) ماده دوم



(10-10) ولایات مزبور از (6) مکتب به تعداد (6-6) شاگردان و ذکور مسابقه دانش حقوقی در مورد منع خشونت علیه زن از طریق رادیوهای محلی و مرکزی در هر ولایت (12) بار مجموعاً در (7) ولایت (84) مرتبه مسابقه دانش حقوقی بین شاگردان مکاتب در مورد منع خشونت علیه زن سازمان طرف امریت آگاهی های عامه حقوقی ریاست عمومی مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه راه اندازی گردیده است. شاگردان و ذکور مسابقه دانش حقوقی از طریق رادیوهای محلی و مرکزی در مورد منع خشونت از طرف امریت آگاهی های عامه حقوقی ریاست عمومی مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه راه اندازی گردیده است. قابل یاد آوری دانسته می شود که کمپاین های آگاهی عامه حقوقی تا اخیر سال 1395 ادامه خواهد داشت

تتمه و تکاور: محمدحسین سلیمی

یافته، که نیروی بالفعل مستعد کشورها هستند، چون جوانی حساس ترین دوره عمر انسان محسوب می گردد. در همین مرحله است که انسان می تواند سرنوشت خویش را تعیین کرده، آینده خود را روشن و یا آنرا تیره و تار سازد. وجود انسان در دوره جوانی شکل گرفته و آینده او هم بر این اساس رقم می خورد. در هر عصری جوانان بیشتر مورد توجه بوده اند و در شکل گیری جوامع بشری نقش مؤثری داشته اند. از یزید قرآن کریم با تعریف از جوانان شایسته، همانند برخی از پیامبران الهی و یادی از داستان ها و نکات اخلاقی و تربیتی و نقش برانزده شان در ساختن جامعه خوشبخت و متمدن به تصویر می کشد. پس جوانان ما، باید عوض فرار از کشور غرض هر همدی که صورت میگیرد، با نیرو و قوت اسلامی و افغانی شان برای رسیدن به مقصود و تحصیل علم و هنر و آموختن صنعت و غیره است بگویند، اصلاحات جوامع انسانی از قلم مؤمن شروع می شود و تبااهی اجتماعات نیز از قلم های مسموم و فاسد مایه می گیرد. فراگیری دانش است همانند نقش بر سنگ است و در دوران پیری مانند نقش بر خاک خواهد بود که زود زایل می شود. لذا جوانان نباید شکار قاچاقچران انسان که عناصر ظالم و فاسدی هستند گردند، بلکه با توجه به مبانی دینی به تحصیل علم و دانش بپردازند و عقب ماندگی رشد نیافتگی کشور را که ریشه در ظلم حاکمان ظالم و فاسد، توطئه دشمنان کشور، و مداخلات کشور های بیرونی دارد، جبران و در آبادانی کشور، تأمین صلح و امنیت، عدالت، برادری، رشد و انکشاف، توسعه و آبادانی کشور، دین ملی و اسلامی خویش را اداء نمایند. تا باشد، کشور آباد، آزاد، یک پارچه و متحد داشته باشیم و روز به روز جلو قاچاق انسان کاهش یابد

ادامه دارد...

مرتکب جرم قاچاق انسان، حسب احوال به حبس طویل که از هشت سال بیشتر نباشد، فقره (۱) ماده دوم